

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الظاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

تصمیم گرفتیم که نسبتاً جلسات را یک کمی کوتاه تر کنیم حالی برای ما بماند ، بلکه ادامه پیدا کند ، عرض شد بدینجا که حالا آن مطلب

فهرست را نگاه بفرمایید

یکی از حضار: برقی در فهرست ندیم چاپ جدید

آیت الله مددی: جلد یک یا دوست؟

یکی از حضار: جلد یک از مجلد دو ، این تقسیم بندی کرده دو مجلد جلد یک جلد دو ، این شماره گذاری ترجمه هم کنارش کرده با لاتین

نمی دانم مدل سابق بوده یا نه شماره ی ۲۲۱ البرقی ابو عبدالله محمد بن خالد البرقی القمی من اصحاب الرضا علیه السلام و من بعده

وصحب ابنه ابا جعفر و قيل كان یکنی ابالحسن وله من الکتب کتاب العویص ، کتاب التبصرة ، کتاب المحاسن ، کتاب الرجال فیه ذکر

من روی عن امیرالمؤمنین علیه السلام . بعد دنبال ایشان حسن بن محبوب است دو سطر بعد دنبالش دارد که قرائت بخط ابی علی بن

همام قال کتاب المحاسن للبرقی یحتوی علی نیف و سبعین کتابا و یقال علی

آیت الله مددی: اینجا ثمانین بوده است

یکی از حضار: وقالوا علی ثمانین کتابا وکانت هذه الکتب عند ابی علی بن همام ، حالا ردیف می کند کتاب المحبوبات کتاب الـ

آیت الله مددی: اینجا ابن همام را با همزه باید بنویسد ها با همزه چاپ کرده است؟

یکی از حضار: نه اینجا بدون همزه آورده است .

آیت الله مددی: اشتباه است ابی علی ابن همام وقتی کنیه می آید باید همزه را بگذارند اگر مثلاً محمد بن همام همزه را نمی گذارند اما

وقتی کنیه می آید باید بگذارند . قاعده ای که بوده است . بفرمایید ، اشتباه کرده است این یکی را اشتباه کرده است .

یکی از حضار: وکانت هذه الکتب عند ابی علی بن همام بدون همزه کتاب المحبوبات ، کتاب المکروهات ، کتاب الطبقات الرجال ،

کتاب فضائل الاعمال ، کتاب اخص الاعمال ، کتاب التهذیب ، تخفیف تا آن چندتا را که شمرده خیلی زیاد آخرش هست کتاب الروایة ،

کتاب النوادر دنبالش ابنه احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد البرقی وله من الکتب کتاب الاحتجاج ، کتاب السفر ، کتاب البلدان اکبر

من کتاب ایبه ، دیگر می رود در حسن حسین اهوازی

آیت الله مددی: ایشان محاسن را به پدر نسبت داده است.

یکی از حضار: بله اولش به ابو عبدالله محمد بن خالد البرقی

آیت الله مددی: اشتباه کرده است. واضح است برای پسر است. مگر اینکه چون زیاد دارد عن ایبه مگر اینکه بگوییم ایشان به حساب راوی نسخه است احمد راوی نسخه باشد و احتمال دارد کتاب الطبقات الرجال که حالا ایشان نوشته جزو کتب محاسن بوده جداگانه نبوده است.

علی ای حال تا اینجای کار اینکه حرف ایشان را الان لا اقل برای مثلاً برقی پدر مگر قبول بکنیم که طبقات الرجال تا اینجای کار ما الان رسیدیم به یک مناسبتی به فهرست ابن بطة یک مقداری راجع به ابن بطة و فهرست ایشان صحبت هایی شد و تا اینجای کار به این نتیجه رسیدیم که این فهرست خودش دارای غلط بوده به تعبیر نجاشی و دو نسخه از این خیلی هم عجیب است حالا ما الان بعضی از مطالب را همین جور مگر تعبدی قبول بکنیم، دو نسخه از این فهرست در بغداد موجود بوده یک نسخه ای بوده که همان مشایخ بغداد مثل ابن غضائری از ابوالمفضل از ابن بطة نقل کردند یک نسخه هم نسخه ای بوده که همین آقا از حسن بن حمزه ی طبری مرعشی که ما می گوییم آقای مرعشی، سید مرعشی از ابن بطة نقل کرده است این هم خیلی عجیب است واقعا. راوی یک نفر است یعنی شیخ مفید هست مرحوم ابن عبدون هست مرحوم ابن غضائری هست یکی اش از حسن بن حمزه است که از اجلاء است یکی اش از ابوالفضل است که تضعیف شده است و مرحوم نجاشی نسخه ی مرعشی را نقل می کند مرحوم شیخ ابوالفضل را نقل می کند این را هم ما نمی فهمیم که چرا این چه شده چه کاری پیش آمده که.

البته اجمالا این هست که مرحوم شیخ به تعبیر بعضی ها دارای یک کتابخانه ی کوچکی بوده مجموعاً وقتی نگاه می کنیم کتابخانه ی شیخ کوچک است حتی کتب مشهور مثل کتاب سکونی و اینها نزدش نبوده کتاب حلبی و اینها خیلی کتاب های مشهور نزدش نبوده است از کتاب کلینی می گیرد خودش در اختیارش نبوده است کتاب های محدودی در اختیار مرحوم شیخ بوده است و از آن هم تعجب بیشتر است که معاصر ایشان مرحوم سید مرتضی استاد ایشان کتابخانه ی بسیار بزرگی در آن وقت در بغداد داشته است هشتاد هزار کتاب داشته است. ثمانینی به آن می گویند هشتاد تا قریه هم داشته هشتاد هزار کتاب هم داشته که ثمانینی به او می گفتند و این خیلی تعجب آور است که داشتن هشتاد هزار جلد کتاب و مع ذلک شیخ از آنها مستقیم نقل نکرده است اینها یک قسمت های ابهام آمیز است. بیشتر می خورد من فکر می کنم به همان تعبد به حجیت خبر و حجیت تعبدی و قبول خبر که حالا.

البته عرض کردیم انصافاً شیخ در مجموع اخبارش نه دنبال آن صحیح و دقت‌های نجاشی است نه این تساهلاتی که از مرحوم صدوق دیده می‌شود یک چیز متوسطی است که حالا اگر بخواهیم به اصطلاح متعارف آن زمان اهل سنت بگوییم ما بین صحاح و حسان جمع کرده است.

خود مرحوم پسر صاحب معالم خود مرحوم علامه اینها هم حدیث صحیح و حسن را هر دو عمل می‌کنند شبیه کار شیخ است شیخ نه آن ضعیف ضعیف را آورده نه اینکه خیلی دقت زیادی بکند مجموعه‌ی آثار ایشان این است و این خیلی برای ما تعجب آور است الان واقعا ما نمی‌دانیم حالا چرا با اینکه این دو کتاب در بغداد بوده دو نسخه از این فهرست ابن بطة در بغداد بوده من یک مقداری این دو سه جلسه راجع به این قسمت صحبت کردم چون بعد از این چون بحث ما فهرستی است یا خواهد بود ان شاء الله ، خواهیم گفت نسخه‌ی ابن بطة نسخه‌ی ضعیف نسخه‌ی ابوالفضل نسخه‌ی مرعشی ، نسخه‌ی مرعشی در اختیار نجاشی بوده نسخه‌ی ابوالفضل و نمی‌دانیم در ترجمه‌ی احمد برقی شیخ از همین راه مرعشی باز نقل می‌کند این را هم نفهمیدیم معلوم می‌شود اجازه‌اش به کتب برقی از راه همین مرعشی است یعنی اگر دقت کردید می‌خواهید یک بار دیگر بخوانید من یک توضیحی عرض کنم .

مرحوم شیخ قدس الله نفسه طریق اولش می‌گوید جماعة مشایخی از مرعشی از ابن بطة به کتاب‌های برقی خوب این همین طریقی است که نجاشی داشته مرعشی به ابن بطة ظاهراً اجازه را داشته از همین طریق صحیح اما نسخه‌ای که از خود فهرست داشته نسخه‌ای است که از طریق ابوالفضل است و این برای ما واقعا یعنی خود ما هم الان یک تحلیل درستی نداریم احتمالی که آخر الامر به ذهن رسیده است این است که یا در اختیارش نبوده یا همین را فعلاً در اختیارش بوده یا احتمالاً نسخه‌ی ابوالفضل چون ضعیف بوده بیشتر کتاب داشته است .

مرحوم مرعشی مثلاً یک مقداری را حذف کرده است مثلاً تحدیث نکرده اجازه نداده است چون یکی از کارهایی که در سابق بود که الان نیست این بود که اگر یک کتابی را می‌دانستند دارای احادیث ضعیف است در خود اجازه استثناء می‌کردند ، اصلاً در خود اجازه اجزت له ان بروی کتاب کلینی الا ما کان فیه عن سهل بن زیاد مثلاً دقت کردید ، الان متعارف ما نیست متعارف اجازات ما نیست و می‌خواهید شاهدش محمد بن اورمه‌ی قمی را بیاورید این را مرحوم شیخ دارد نجاشی تصادفاً ، بعضی جاها شیخ یک کمی دقیق‌تر از نجاشی است اینجا شیخ یک کمی دقیق است محمد بن اورمه را بیاورید .

اینها در اجازه هم حتی در خود اجازه استثناء می‌کردند روشن شد چه می‌خواهم بگویم در خود اجازه استثناء می‌کردند شاید مرعشی بعضی از این کتاب‌ها را استثناء کرده مرحوم شیخ هم که مبنای حجیت خبر داشته قبول داشته برداشته آورده است علی‌ای حال انصافاً حالا ما چه

کار بکنیم چون عرض کردیم ما یک میراث را می بینیم ، انصافا اگر ما باشیم و طبق قاعده انصافا دقت های نجاشی قابل تامل است انصافا.

یعنی غرضم این نکته را خوب دقت کنید بعضی از این غریبی ها خیال می کنند کارهای عجیب و غریب است .

تمام این ظرافت ها و دقت ها قبلا در بین ما اعمال شده فقط چیزی که هست اخیرا دیگر خوب سال ها شده که یک مقداری روی مسائل

فقهی از زمان علامه به بعد روی مسائل فهرستی ، قبلش هم بود دیگر از زمان ایشان رسماً روی مسائل فهرستی کار نشد و لذا تاملات کافی

در این جهت نشده است و انصافا نسخه ی فعلا ما به حسب ظاهر نسخه ی مرحوم نجاشی را ترجیح می دهیم به حسب ظاهر آن ابوالفضل

ضعیف که سنی ها هم بعضی هایشان خیلی تند شدند به او و بعضی ها گفتند نه انتخابات دار قطنی بد نیست .

علی ای حال خود نجاشی هم می گوید من قبول ندارم الا به واسطه شیخ هم در حقیقت واسطه آورده است سه تا از مشایخ بغداد هستند

یعنی این سه تا مشایخ بغداد هم این نسخه را نقل کردند و هم آن نسخه را نقل کردند روشن شد ؟ چون در این کتاب نجاشی و شیخ اسم

ابن بطه زیاد می آید گفتم حالا این توضیح را بدهیم که بعد برای ما راحت باشد دیگر خیلی وقت شما را نگیریم دائما می گویم نسخه ی

شیخ نسخه ی نجاشی و این دو تا با هم اختلاف داشتند حالا عبارتش همان برقی را بیاورید . محمد بن اورمه را آوردید بخوانید . برای شیخ

را فهرست شیخ ، بفرمایید .

یکی از حضار : مدخل ۶۲۰ محمد بن اورمه له کتب مثل کتب حسین بن سعید

آیت الله مددی : این ببینید یک رسمی بود در آن زمان مثلاً می گفتند فلانی کتاب نوشته بر سبک توضیح المسائل آقای بروجردی کتاب

حسین بن سعید سی کتاب بوده فقه سی کتاب بوده است کتاب شرائع نمی دانم چهل و خورده ای است ، پنجاه و سه تاست . مثلاً می گویند

یک دوره فقه را نوشته مثل شرائع آن زمان چند جا داریم له کتب مثل کتب حسین بن سعید و من یک توضیحی دادم چون بعد از این در

مسائل فهرستی زیاد این مطلب را می گویم عرض کردیم خط غلو اگر راست باشد که مثلاً الوهیت ائمه و اینها مثلاً قائل بودند این از زمان

امیرالمؤمنین معروف است عبدالله بن سباء راست یا دروغ عده ای قائل به الوهیت ایشان بودند و اینها اما ما عرض کردیم خط غلو را از

یک جهت دیگر ما بررسی کردیم به لحاظ میراث های علمی شان دو بحث است اینکه حالا چند نفر غلو بودند قائل به الوهیت بودند قائل به

صفات الهی بودند قائل به چه بودند قائل به اباحی گری بودند اینها یک چیز.

یکی میراث ها این را عرض کردیم از زمان جابر بن یزید جعفری تقریباً می شود گفت اولین میراث های خط غلو این است ، حالا نه خط غلوی

که واقعا ایشان غالی باشد یعنی اصلاً دیگر جزو ، آن وقت بزرگترین نویسنده و میراث اولینش ایشان است بعد مفضل بن عمر است بعد آن

وقت وقت مثلاً باز خط اعتدال فرض کنید مثلاً عمر بن اذینه ، جمیل بن دراج اینها مقابل او باز فرض کنید زراره ، اصل این خط زراره و

محمد بن مسلم و برید اینها خط اعتدالند این دو تا خط از نظر میراث علمی در شیعه رشد پیدا کردند این خودش یک مقاله می خواهد کتاب مفصلی دو تا خط یک خط غلو یک خط .

غلو را هم عرض کردم غلو مصطلح در آن زمان مثل اینکه می گویند بنیاد گرایان اسلامی الان زمان ما این غلو مثل همان بنیاد گرایان اسلامی زمان ماست نمی خواهیم بگوئیم اینها واقعا غالی ، خط غلو حساب می کردند اولش موسسش مثل جابر بن یزید جعفی است بعد راس این خط مفضل بن عمر است مروج این خط در حقیقت محمد بن سنان است آن وقت سهل بن زیاد هم از این خط است محمد بن اورمه هم از همین خط است یعنی دقیقا تا یک مدتی خط اعتدال مقابلش خط غلو آن وقت خط اعتدال حسین بن سعید بود مقابلش محمد بن اورمه ، می گوید له کتب مثل کتب حسین ، این ما الان کاری که نجاشی خیلی رویش دقت می کند این نکته است .

یعنی ما دو تا بحث داریم یکی اینکه حالا غلو چیست این بحث خودش یکی وثاقت آنها یعنی بحث های متعدد دارد یک بحث ارزیابی میراث خط غلو است دقت کردید ؟ که ایشان علیرضا می گوید اعتبار سنجی این اعتبار سنجی خط غلو میراث های خط غلو از مفضل هست از جابر بن یزید جعفی هست از سهل بن زیاد هست این میراث های خط غلو ارزش علمی اش و عرض کردیم تقریبا این دو تا خط هم نواخت می روند جلو تا زمان ۳۰۰ تقریبا از زمان ۳۰۰ دیگر تقریبا خط غلو کنار زده می شود دیگر خط غلو رسمی که مثلا خط اعتدال این طرف تا یک مقداری مثلا آثار خط غلو آثاری که ضعیف بوده اخباری ها بعدها نقل می کنند و الا یک خط غلو اصطلاحی داشته باشیم در مقابل خط اعتدال دیگر نداریم از سال های ۳۰۰ دیگر نداریم .

یکی از حضار : احادیث پالایش شد ؟

آیت الله مددی : دو احتمال من دادم یکی اینکه سال ۲۹۷ فاطمی های مصر تشکیل حکومت دادند خط غلو چون اساسش غلو سیاسی بود احتمالا جذب مصر شدند مثل برای همین انقلاب بود که اوائلش خیلی از کشورهای دیگر آمدند اینجا این دیگر کم آنجا هم ضعیف شدند هر چه بودند آمدند اینجا دیگر شبیه این ، یعنی با آمدن فاطمی ها این خط غلو سیاسی چون به ثمر رسید دیگر حکومت تشکیل دادند و ۲۷۰ سال هم طول کشید انصافا از این فاطمی های ایران از اسماعیلی های ایران بیشتر اسماعیلی های ایران ۱۷۱ سال بود آنها ۲۷۰ سال که الان هم این رئیس برهه رفته آنجا را احیاء بکند آثارش را یکی اش هم خود مسجد ازهر است دیگر جامع الازهر آنجا جزو آثار فاطمی هاست دقت کردید ؟

یک احتمالی که ما می دهیم این باشد که کم کم خط غلو رفت آن طرف چون الان کنز الفوائد کراچکی غیرش هم هست مثلا می گوید در مصر سال فلان فلانی را دیدم اینها جذب مصر شدند در حقیقت .

همین کتاب اشعثیات این کتاب اشعثیات پسر موسی بن جعفر سلام الله علیه به نام به اصطلاح اسماعیل بن موسی بن جعفر ایشان مثلا در مدینه بود بعد دارد که سافر الی مصر مع ولده مصر آن زمان ، البته آن زمان هنوز تشکیل حکومت فاطمی ها نبود قبلش است ، ایشان تا سال ۲۱۰ مسلم است ، ظاهرا عده ای از همین سادات و اینها یا جذب زیدیه می شدند یک عده ای هم رفتند جذب اسماعیلی ها شدند . اسماعیلی ها میراث هایشان عین میراث های ما بود یعنی از ما گرفته بودند نه اینکه میراث ، و لذا من همیشه عرض کردم الان در کتب رجال یا روات ما حتی یک راوی چه در کتب سنی چه در کتب شیعی نداریم که بگویند اسماعیلی ها ، زیدی داریم خطابی داریم اما اسماعیلی نداریم چون اهل روایت نبودند در این خط نبودند در خط علم نبودند.

یک احتمال دیگر هم پالایش باشد ، چون مقداری از میراث خط غلو مثل روایات محمد بن سنان و مفضل را کلینی آورده است این تقریبا معاصر با زمان کلینی است که کافی را نوشتند چون ایشان ۳۲۹ وفاتش است گفتم حدود ۳۰۰ ، ۲۹ سال تقریبا حدود عرض می کنم نه اینکه حالا دقیق احتمال دارد خود به خود خط غلو چون بقیه ی روایاتش هم پرت و پلا بود خود به خود حذف شد یک چندتایش که درست و سر و سامانی داشت مرحوم کلینی آورده بود بقیه هم خود به خود حذف شد لذا این خط خود به خود از بین رفت ما بعد از سال ۳۰۰ دیگر خط غلو و خط اعتدال نداریم این خط غلو و اعتدال ما تا سال ۳۰۰ است این هم یک شرح اجمالی راجع به این .

این که ایشان می گوید له کتب روشن شد ؟ این اشاره به این است این برای یک دوره ی فقه نوشته احادیث را طبق فقه نوشته مثل حسین بن سعید ، حسین بن سعید معیار خط اعتدال است ایشان معیار خط غلو است این محمد بن اورمه که ایشان نقل می کند نمی دانم ان شاء الله مطلب روشن شد مثل کتب حسین بن سعید این سرش این بوده است لکن این ها پالایش شد بخوانید شما حالا مطلب را ادامه بدهید . یکی از حضار : پالایشش به این بود که مقبول ها را مثل کلینی نقل کردند بقیه هم یا رفت در مصر یا کلا حذف شد .

آیت الله مددی : حذف شد ، خیلی مراتب مرتبی ندارد چیز درست و درمانی ندارد حذفش کردند احتمال حذف و اینها درش هست بفرمایید له کتب مثل کتب حسین بن سعید دقت کردید

یکی از حضار : وفی روایاته تخلیط

آیت الله مددی : ببینید همان که من عرض کردم قر و قاطی دارد بد و خوب دارد ببینید نمی گوید باطل است کلهش بد و خوب دارد مخلوط است بله ، بفرمایید .

یکی از حضار : اخبرنا بجمیعها الا ما کان فیها من

آیت الله مددی : الا ما کان فیها من غلو و تخلیط ، از همان اول استثناء کرد .

این یک راهی بود مثلاً می‌گوید آقا تمام این روایت را یکی دیگر در کتاب

یکی از حضار: یعنی اجازه داری نقل کنی الا ما فیها

آیت الله مددی: الا ما فیها آنها را به من اجازه نداد.

مثلاً در، حالا هست این، کتاب منتخبات برای سعد می‌گوید آن احادیثی که قبول داشت رویش علامت گذاشت اعلم یعنی علامت گذاشت، دقت کردید چطور شد؟ اعلم این یک راهی بود، مثلاً نوادر الحکمة برای محمد بن احمد، ابن الولید گفت خوب است اما استثنائات ابن الولید معروف است دیگر این روایتی که اولش اسم سهل بن زیاد است اولش فلان فلان اینها خارج بشود اینها را اجازه نمی‌دهم دقت کردید؟ یعنی یا با علامت جدا می‌کردند یا با اسم راوی اول، یا مثل این جا از همان اول می‌گوید هر چه غلو و تخیل است من قبول ندارم اصلاً اجازه به تو نمی‌دهم بفرماید آقا.

یکی از حضار: اجازه داشته اما ایشان اجازه نمی‌دهد؟

آیت الله مددی: نه آن استاد اجازه نمی‌دهد اخبارنا بجمیعها الا ما کان فیها من غلو و تخیل بفرماید.

یکی از حضار: ابن ابی جید عن ابن الولید عن الحسین بن الحسن بن ابان عنه

آیت الله مددی: بعد می‌شود معاصر با حسین بن سعید هم بوده چون این حسین بن حسن بن ابان از حسین بن سعید نقل می‌کند این حسن بن ابان از محترمین قم بوده حسین بن سعید او آخر عمر می‌آید قم می‌ماند از اهواز دعوتش می‌کنند برای قم خانه‌ی همین حسن بن ابان است و لذا پسرش حسین خود این حسین توثیق ندارد پسرش حسین کتب حسین را نقل می‌کند یکی از راه‌های کتب حسین بن سعید همین حسین بن حسن بن ابان است ببینید این هم از حسین بن سعید نقل می‌کند هم از محمد بن اورمه.

لکن محمد بن اورمه وقتی که ابن الولید نگاه می‌کند استثناء، آنجا مثلاً نوادر الحکمة را هم ابن الولید استثناء کرد اینجا هم باز ابن الولید استثناء می‌کند می‌گوید اینها را اجازه نمی‌دهم ما کان فیها.

آن وقت حالا احتمال دارد مرعشی رحمة الله علیه یک مقدار از فهرست ابن بطة را حذف کرده است خیال کرده قرو قاطی است اما نسخه‌ای که مرحوم شیخ از ابوالفضل بیشتر داشته احتمال این دارد به هر حال این اجمالاً هست که ابوالفضل یک شخصیتی نبوده که کلاً باطل باشد بان کذب گفتند باز دیدید که شما با گفت که الا ما انتخبه دارقطنی، مرحوم نجاشی هم می‌گوید الا ما کان، یک عبارت دیگر هم حالا شما، قال ابوالفضل ببینید چند بار در کتاب نجاشی آمده است. قال ابوالفضل.

.....
علی ای حال این یکی از مشکلات فهرستی ما الان این است بین نسخه‌ی نجاشی و بین نسخه‌ی شیخ الان فرق است هر دو هم از ابن بطة است فقط فرقی این است که نسخه‌ی نجاشی صحیح است طریق مرعشی نسخه‌ی شیخ طریق ابوالفضل است . مثل اینکه مثلاً بگوئیم چاپ لبنان چاپ قم ، چاپ نجف چاپ قم ، این که مرحوم نجاشی نقل کرده نسخه‌ی صحیح است این که مروم شیخ نقل کرده مشکل دارد نجاشی نه نسخه‌ی صحیح است ، لذا ما الان عادتاً حرف نجاشی را قبول می‌کنیم .

یکی از حضار : شش تا قال دارد یک دانه روی .

آیت الله مددی : شش تا قال دارد ؟

یکی از حضار : بله

آیت الله مددی : قال ابوالفضل ؟

یکی از حضار : بله

آیت الله مددی : آن وقت بعدش چه می‌گوید ؟

یکی از حضار : مثلاً ترجمه‌ی هارون بن عمر گفته که قال ابوالفضل حدثنا فضل بن محمد بن نصیف الشعرانی ابو محمد بجرجان عنه

آیت الله مددی : خوب این هیچ . این اصلاً آدم مجهولی است هیچ . بعدش ؟

یکی از حضار : ترجمه‌ی محمد بن نرث احمد بن محمد می‌گوید که قال ابوالفضل الشیبانی حدثنا ابو بکر ابن ابی السلت ،

آیت الله مددی : آها ، اهوازی است تعجب است این از این نقل می‌کند . این ابن السلت دیگری باشد غیر از آن

یکی از حضار : ابن ابی الثلج

آیت الله مددی : خیال کردم سلط می‌گوئید می‌گویم ابن ابی السلت از این نقل نمی‌کند در ذهن من . خود نجاشی از او مستقیم نقل می‌کند

نمی‌خواهد واسطه بیاورد تعجب کردم ابن ابی الثلج خوب هیچ این هم مثل همان .

علی ای حال یکی دو مورد هم ابن بطة دارد قال ابی المفضل قال ابن بطة به نظرم ابن بطة هم از ابوالفضل نقل می‌کند . نجاشی دقت کنید

از ابوالفضل نقل می‌کند به این معنا که

یکی از حضار : قال ابوالفضل محمد بن عبدالله حدثنا محمد بن جعفر بن بطة وقرانا علیه و اجازنا ببغداد ، این ترجمه‌ی خود همین چیز

است دیگر ترجمه‌ی ابن بطة است در ترجمه‌ی ابن بطة است .

آیت الله مددی : و اجازنا

یکی از حضار: وقرانا علیه و اجازنا ببغداد فی النوبختیه وقد سکنه

آیت الله مددی: این اجازنا کلام نجاشی است نه کلام ابی المفضل. دقت کردید؟

یکی از حضار: قال ابوالفضل حدثنا محمد بن جعفر وقرانا علیه

آیت الله مددی: ها قال ابوالفضل حدثنا محمد بن جعفر ایشان می گوید قال وقرانا علیه ببینید دقت کنید نجاشی می گوید من حتی کتاب ابن بطه را برای این خواندم قرانا برای نجاشی است و ابوالفضل ساکن محله ی نوبختیه در بغداد بوده است، نوبختیه محله ای بوده که خاندان نوبخت مثلاً تاسیس کردند و سکنها، سکن النوبختیه یعنی سکن ابوالفضل نوبختیه، بعضی ها خیال کردند ابن بطه آمده نوبختیه نه ابوالفضل سکن النوبختیه.

خیلی عبارت نجاشی عجیب است، با اینکه می گوید ابوالفضل گفت حدثنا ابن بطه و ما هم خواندیم یعنی تحمل کردند باز از او نقل نمی کند و شیخ نقل می کند خیلی این دقت نجاشی را دقت کنید این قرانا نه اینکه ابوالفضل گفت قرانا بر این بطه یعنی ایشان می گوید ولو تحدیث بوده اما من هنوز تحدیث قبول ندارم قال می گویم نمی گویم حدثنا، بله ابوالفضل گفت اخبرنا ابن بطه ما هم خودمان خواندیم یعنی خود نجاشی چون این عبارت خیلی مهم است.

یکی از حضار: شرح حال چه کسی بود؟

آیت الله مددی: ابن بطه

یکی از حضار: دیشب نخواندیم که!

آیت الله مددی: نرسیدم خوب، نجاشی را کامل، از بس شرح دادیم عبارت نجاشی را کامل خوانده نشد این ذیل عبارت نجاشی است. یکی از حضار: یک بار دیگر بخوانید.

آیت الله مددی: خیلی عجیب است دقت کنید نجاشی را خیلی با اینکه قرانا علیه.

یکی از حضار: آنجا مسلک شیخ است که

آیت الله مددی: ها باز مسلک شیخ معلوم شد؟ خیلی عجیب است. می گوید خود ابوالفضل گفت اخبرنا به نحو اخبرنا ابن بطه نجاشی هم گفت من هم برایش قراته، آن وقت تعبیر عرض کردم کرارا یکی از تعبیرات این بود که اگر تنها باشد می گفته حدیثی یا قرات علیه اگر با جماعتی بودند می گفت قرانا علیه معلوم شد یعنی مرحوم نجاشی تنها نبوده که از او تحمل حدیث بکند عده ای از شیعه بودند گوش کردند کتاب ابن بطه را از ایشان با اینکه می گوید قرانا علیه احسن، می گوید از این بهتر طریق تحمل؟ باز حاضر نیست بگوید حدثنا ابوالفضل

می گوید قال ابوالفضل این دقت نجاشی است یعنی می خواهد بگوید من به طریق صحیح این کتاب را از ایشان تحمل کردم ، لکن مع ذلک از او نقل نمی کنم ، خیلی کم یکی دو مورد داریم از او نقل می کند و الا نقل نمی کند من از نسخه ی مرعشی نقل می کنم آن نسخه ی صحیح آن است با اینکه ما این نسخه

آن وقت این نشان می دهد که کتاب فهرست ابن بطة بالفعل در بغداد موجود بوده شیخ همین نسخه را دیده این نسخه ای که ابوالفضل چون می گوید قرانا علیه ، هفت هشت ده نفر بودند خواندند معلوم می شود این نسخه در بغداد موجود بوده است دقت کردید ؟ یعنی عبارة اخرى این نسخه نسخه ای نبوده که مثل ما از کافی نقل کنیم ما با اجازه از کافی نقل می کنیم با اجازه نبوده در خارج موجود بوده است . می گفتند نسخه ی ابوالفضل از فهرست ابن بطة شیخ از این نقل می کند نجاشی می گوید قرانا علیه مع ذلک قبول نمی کند چون می گوید دیدم اصحاب برش اشکال دارند یغمضونه .

انصافا هم عرض کردم من چند دفعه عرض کردم ما راجع به نجاشی یا شیخ وقتی صحبت می کنیم تبعیض نمی کنیم چون خودمان دیدیم کلماتشان را یعنی دقت هایی را که ، خیلی عجیب است این ها این دقت های عجیبی را به کار بردند آن مستشرقین ما با تمام وسواس هایشان شاید باور نکنند این قدر این قدمای اصحاب ما ظرافت کار را به کار بردند که نسخه در بغداد موجود بوده است حالا آیا نسخه ی ابن حمزه هم بوده از اینکه ایشان می گوید جماعة احتمالا آن نسخه هم در بغداد ، آن را الان نمی توانم بگویم در بغداد موجود بوده یا نه اما این نسخه ی ابوالفضل موجود بوده است ، شیخ از این نسخه نقل می کند این چون در بحث های فهرستی ما تا صد جلسه ی دیگر هم بخواهیم ادامه بدهیم این یک نکته ی خیلی اساسی است و این اختلاف بین نجاشی .

آن وقت لذا ببینید برای احمد برقی را بیاورید دو مرتبه بیاورید ، نجاشی وقتی فهرست کتاب برقی را نقل می کند از همین ابن بطة لکن از طریق مرعشی نقل می کند آن جا دو تا کتاب می آورد شیخ می گوید قال ابن بطة یک کتاب می آورد طبقات الرجال . بخوانید آقای یک مرتبه ی دیگر این را هم دقت کنیم .

یکی از حضار: ۱۸۲ احمد بن محمد بن خالد البرقی خوب

آیت الله مددی: له کتب ، بله کتاب المحاسن

یکی از حضار: صنف کتب منها المحاسن وغيرها وقد زید فی المحاسن ونقص کتاب التبلیغ والرسالة من بروم تا کجا ؟

آیت الله مددی: بروید جلو بعدش ؟

یکی از حضار: همه را بخوانم ؟

آیت الله مددی: تا آخرش نه نمی خواهد بعد که تمام می شود.

یکی از حضار: همین چند تا را داشته دیگر، کتاب افاضل الاعمال، کتاب اخص الاعمال، کتاب مساجد الاربعة، کتاب الرجال، کتاب

الهدایة، کتاب المواعظ

آیت الله مددی: از نجاشی خواندید؟

یکی از حضار: نجاشی.

آیت الله مددی: ها نه ببینید بعد از اینکه تمام می شود کتاب الرجال کتاب الطبقات دو تا کتاب بعد چه می گوید مرحوم نجاشی؟

یکی از حضار: و ذکر بعض اصحابنا ان له کتبا اخر من

آیت الله مددی: الی آخره، نه طریقتش را ذکر طریق

یکی از حضار: و اخبرنا بجميع کتبه الحسين بن عبيد الله حدثنا احمد بن محمد ابو غالب الزراري قال حدثنا مودبي علي بن حسين سعد

آبادی قال حدثني احمد بن ابی عبدالله بها

آیت الله مددی: از این راه نقل می کند مرحوم نجاشی، این راه علی بن حسین توثیق واضحی ندارد اما خوب مودب هم کلینی است هم

مودب ابو غالب الزراری است از این راه که نقل می کند دو تا کتاب نقل می کند، شیخ چه می گوید شیخ می گوید و زاد ابن بطة کتاب

طبقات الرجال، پس اینها دو تا مصدر است دو تا نسخه است. نجاشی دیگر از طریق ابن بطة نقل نمی کند نه؟

یکی از حضار: نه، کتاب الطبقات دارد نجاشی اما طبقات الرجال نه.

آیت الله مددی: طبقات الرجال را شیخ فقط دارد در این کتاب فهرست ندیم هم آمده است. الان ما چه کار کنیم ما اگر چون بحث تمام

بحث ها سر چه بود سر کلمه ی رجال بود اصلا که این رجال در اینجا احتمالا به معنای به حساب فهرست باشد بحث ما سر این بود که از

آن بحث های دیگر خارج شدیم و این اختلاف هست بین نجاشی و بین شیخ که مرحوم شیخ می گوید زاد ابن بطة کتاب طبقات الرجال در

صورتی که نجاشی از این طریق ابو غالب که نقل می کند از ابو غالب که شیخ الشیعة فی زمانه طبقات الرجال نبوده است، طبقات و

الرجال، پس آیا در واقع یک کتاب است یا دو تا است به ذهن ما همین حرف نجاشی درست باشد و به قرینه ی اینکه طبقات در طبقات الرجال

است ظاهرا رجال باید فهرست باشد و الان فهرست ابن بطة مقدار زیادیش از برقی است برقی پسر است. بعید نیست این همان رجال برقی

باشد، که در حقیقت فهرست بوده است. تمام مقدمات بحث ما این بود البته گاهی هم نجاشی با شیخ هر دو از ابن بطة نقل می کنند با

اختلاف این صالح بن رزین را بیاورید چون تازگی دیدیم صالح بن رزین را بیاورید چون یکی یک نکته ای هم دارد آنجا یک توضیحی من

بد هم امشب می خواهیم بحث را تمامش کنیم . چون می خواهیم بگویم این خوب دقت کنید که بین شیخ و نجاشی گاهی مشکل هست که ما الان بالفعل واقعا چون هر دویشان از یک مشایخ نقل می کنند این مشایخ نسخه ی ابوالفضل را نقل کردند نسخه ی مرعشی را هم نقل کردند نجاشی نسخه ی مرعشی را گرفته ایشان نسخه ی ابوالفضل را گرفته است .

یکی از حضار: صالح بن رزین شماره ی ۵۰۳ نجاشی کوفی روی عن ابی عبد الله علیه السلام

آیت الله مددی: ببینید کوفی روی عن ابی عبد الله علیه السلام

یکی از حضار: ذکره اصحاب الرجال

آیت الله مددی: خیلی تعبیر لطیفی است ذکره اصحاب الرجال یعنی چه می خواهد بگوید دقت کنید؟ یعنی در فهرس اسمش نیامده است فهرست ابو غالب، ابن الولید اینها اسمش نیامده است. بعد از فهرست ابن بطه یعنی می خواهد بگوید روایت در فهرست ابن بطه آمده است، در کتب رجال آمده است حالا اگر بگوییم ناظر باشد کلامش به شیخ طوسی از عجایب این است که شیخ طوسی ایشان را در رجالش نیاورده است. شاید می خواهد کنایه به شیخ طوسی بزند که بابا شما باید قاعدتا در رجال می آوردید در فهرس فقط فهرست ابن بطه آورده است شیخ طوسی در فهرستش آورده است ببینید ذکره اصحاب الرجال، تا اینجا بحث رجالی است بعد؟

یکی از حضار: روی عنه منصور بن یونس

آیت الله مددی: این چیست؟ تا اینجا بحث رجالی است یک سطر است نصفش رجالی است بعد؟ له کتاب

یکی از حضار: له کتاب روی عنه حسن

آیت الله مددی: این فهرستی شد این که می گویم فرق بین رجالی و فهرستی همین یک عبارت. لذا ما در بعضی روایات داریم که منصور بن یونس عن صالح این می گوید این روایت است، حسن بن محبوب عن صالح این کتاب است.

یکی از حضار: اینجا رجال به معنای خود رجال آمده است.

آیت الله مددی: آها اینجا اصحاب الرجال دارد. به معنای رجال نیست.

یکی از حضار: پس همه جا نمی شود رجال مستقیم باشد.

آیت الله مددی: نه گفتم این را بحث گفتم خوب دقت کنید خیلی عجیب است ها چون دائما می گویند این فرق بین رجال، روی عنه منصور بن یونس این روی عنه منصور این رجالی است بعد می گوید له کتاب روی عنه حسن بن محبوب این فهرستی است. یعنی اگر شما

دیدید در روایات از حسن بن محبوب عن صالح یعنی از کتابش است اما منصور بن یونس نه روایت است روایتی است از او نقل کرده است از کتابش نیست ، شیخ این نکته را به کار نبرده است فقط کتاب بفرمایید بعد ؟

یکی از حضار : اخبارنا عدة من اصحابنا

آیت الله مددی : عدة من اصحابنا ابن عبدون ابن غضائری گفتیم عن حسن بن حمزه ی طبری همین نسخه ی صحیح عن ابن بطة ؟

یکی از حضار : عن محمد بن جعفر المؤدب

آیت الله مددی : محمد بن جعفر خیلی با القابش ، این همان ابن بطة است محمد بن جعفر المؤدب . دقت کردید ؟ این برای فهرست ابن بطة است . یعنی در بقیه ی فهارس نیامده است قبول نکردند . آن وقت نجاشی ظاهرا قبول کرده است ظاهرا چون قبل از اینکه این سند را بنویسد گفته له کتاب نسبت داده کتاب را به نحو جزم و الا می گفت قیل له کتاب ، جزو اغلاط ابن بطة نگرفته است . عن الحسن بن محبوب عن صالح ، حالا عبارت شیخ را بیاورید فهرست شیخ بعد از ایشان . شیخ در رجال ایشان را نیاورده است نجاشی شاید می خواسته یک گوشه ای به شیخ بزند که شما مناسب بود در رجال بیاورید نه در فهرست بیاورید کتب رجال اسمش را آمده در فهارس جزو فهرست ابن بطة جای دیگری است .

یکی از حضار : صالح بن رزین در فهرست شماره ی ۳۶۰ است منتها در ۳۵۸ صالح بن سندی را گفته اینجا گفته له کتاب اخبارنا جماعة عن ابی المفضل عن ابن بطة

آیت الله مددی : همان جماعت همین جا هستند جماعت هر دو یکی هستند جماعت شیخ و نجاشی یکی هستند ، فقط دو نسخه ، نسخه ی ابو المفضل نسخه ی مرعشی چون می خواهم تکرار بکنم که این کاملا جا بیافتد برای انسان ایشان نسخه ی ابوالمفضل . یکی از حضار : ایشان می گوید صالح بن رزین له اصل رویناه بالاسناد الاول عن ابن بطة .

آیت الله مددی : حالا فرقی چه شد ببینید دقت کنید می خواهیم چون علیرضا دائما می گوید اعتبار سنجی نجاشی گفت له کتاب شیخ می گوید له اصل مصدر هم یکی است . عده ای از آقایان هم مثلا بعد از توثیقات متاخرین که گفتند له اصل چون ایشان گفت اعتبار سنجی ، می گوید اگر گفت له اصل یعنی معتبر است دیگر اصل است دیگر حالا مصدريکی است کتاب ابن بطة دو نسخه است در نسخه ی مرعشی له کتاب اگر حرف نجاشی را دقیق بگیریم که عین عبارت فهرست ، حرف شیخ را هم دقیق بگیریم شیخ گفته له اصل هر دو هم از ابن بطة نقل می کنند . روشن شد ؟ اگر عبارت شیخ قبول کنیم چون شیخ گفت اعتبار سنجی خوب عده ای را معتبر می دانند می گویند چون توثیق هم ندارد صالح بن رزین توثیق ندارد توثیق جداگانه ندارد مشککش این است .

البته آقای خوئی توثیق دارند به تفسیر علی بن ابراهیم اشتباه کردند آن روایت برای علی بن ابراهیم نیست ایشان توثیق ندارد اصلاً توثیقش را از این راه اثبات کردند له اصل

یکی از حضار: خوب اصل یعنی کتاب توثیق نمی شود.

آیت الله مددی: نه له کتاب را توثیق نگرفتند. اصل یعنی مثل صحیح بخاری است عرض کردم توضیحات اصل را یعنی یک کتاب قابل اعتماد قابل قبول همین که آن وقت لذا بعضی ها گفتند این خودش توثیق است بعضی ها هم البته فهرستی فکر کردند گفتند روایت صالح اگر از حسن بن محبوب باشد قابل قبول است چون از اصلش است اگر مثل منصور بن یونس باشد نه روایت است دقت کردید این مبانی در اعتبار سنجی که علیرضا می گوید، من چه عرض کردم گفتم ریشه ها را ما اول بینیم بعد خودش اعتبار سنجی درمی آید. الان هر دو نسخه برمی گردد، نمی دانم ملتفت شدید؟ به دو چاپ از کتاب ابن بطه اگر عبارت نجاشی

البته یک چیز هست نجاشی اسم کتابش فهرست المصنفات است اصلاً اصول را کم دارد پنج تا یا شش تا اصل دارد نجاشی ندارد، شیخ اسم کتاب فهرست الاصول و المصنفات است حالا آیا شیخ گفته له اصل یا به احتمال بسیار قوی در کتاب ابن بطه بوده له اصل، دقت می کنید؟ این که گفتم بین این دو تا نسخه اختلاف است آن وقت گاهی این اختلاف به این جامی کشد ممکن است عده ای را توثیق بکنند به خاطر اینکه له اصل عده ای هم بگویند نه آقا این توثیق ثابت نیست چون نجاشی گفته له کتاب، اصل بودنش روشن نیست.

آن وقت آن بحثی که من عرض کردم پیش می آید احتمال دارد به این صورت بوده مثلاً عن الحسن بن محبوب عن صالح بن رزین عن اصله من اصله یعنی حسن بن محبوب کتاب یعنی بعبارة اخری از چرک نویسنش نقل کرده است له اصل نه به معنای اعتبار به معنای چرک نویس، یعنی از آن که نزد امام نوشته است. آخر نجاشی بعد می گوید نه این که نوشته نزد ما بعد پاک نویس هم کرده داده بیرون می شود له کتاب ممکن است جمع بین دو کلام به این بکنیم اصل نه به معنای معتبر و صحیح به معنای چرک نویس که دیشب عرض کردیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

این هم آقا نکته ای بود که و این چون زیاد تکرار شده گفتم این را یک مقداری توضیح بدهم.

یکی از حضار: ولی در کافی و تهذیب و فقیه این صالح بن رزین از یازده تا روایش نه تایش را حسن بن محبوب نقل کرده است.

آیت الله مددی: بکتابه

یکی از حضار: یکی اش محمد بن معروف نقل کرده یکی هم منصور بن یونس.

یکی از حضار: شیخ طوسی اسمش را گذاشته اصل در فهرست؟

آیت الله مددی: در فهرست نوشته له اصل

یکی از حضار: اسم کتاب فهرست است؟

آیت الله مددی: بله فهرست الاصول والمصنفات. البته این مختصر است اسم دقیقش حدود یک سطر است اسمش طولانی است این که من گفتم فهرست الاصول و المصنفات اما اسم کتاب طولانی است، من نسخه‌ی مرحوم شیخ حر عاملی را نزد آقای چیز دیدم آنجا نسخه‌ی فهرست را به خط خود شیخ حر نوشته است اسمش طولانی است فهرست ما رواه اصحابنا من الاصول والمصنفات، من که گفتم فهرست الاصول و المصنفات شیخ این اسم را گذاشته است. می‌خواهید نجاشی را بیاورید اسم دقیق کتاب چیز دیگری است.

یکی از حضار: در چاپ آقا عزیز این طوری چاپ شده است فهرست کتب الشیعة واصوله واسماء مصنفیه واصحاب الاصول، این که آقا عزیز چاپ کرده است.

آیت الله مددی: مصنفیه واصحاب الاصول

یکی از حضار: کتب شیعه واصوله قبلش درست است؟

یکی از حضار: کتب الشیعة واصوله واسماء مصنفیه واصحاب الاصول

یکی از حضار: اصول را دوبار آورده در اسم کتاب

آیت الله مددی: به نظرم عبارت مرحوم شیخ حر که به خط خودش نوشته باز یک چیز دیگری است. ببینید شاید نجاشی که محمد بن حسن بن طوسی نجاشی را آورده؟ ایشان اسم، لذا من دائما می‌گویم فهرست الاصول والمصنفات این مختصر است و الا اسم کتاب دقیقا این نیست، اسم کتاب دقیقا چیز دیگری است. اما اصول دارد یعنی نکته دارد اصول و مصنفات اما نجاشی دارد هذا فهرست مصنفاته اصحابنا، اصول درش ندارد. دقت کردید؟ این جا الان واقعا انسان واقعا ما هم متحیریم که چرا شیخ این کار را کرده است؟

یکی از حضار: کتاب فهرست کتب الشیعة اصحاب المصنفین، مختصر تر است

آیت الله مددی: فهرست کتب الشیعة

یکی از حضار: واسماء المصنفین

آیت الله مددی: نه این نیست نه، نجاشی هم روشن ننوشته است. آن اسمی که من در اول نسخه‌ی مرحوم شیخ حر دیدم طولانی تر است حالا آن را از کجا گرفته الان، شاید خود شیخ طوسی در اسماء کتب خودش نوشته است، محمد بن حسن طوسی را بیاورید خود شیخ به قلم خودش. خود شیخ مثلا وکتبت من المصنفات کذا، آنجا.

اما مضمونش الاصول والمصنفات است فهرست الاصول والمصنفات است .

یکی از حضار: وله هذا الكتاب وهو فهرست كتب الشيعة واصولهم واسماء المصنفين منهم واصحاب الاصول والكتب واسماء من صنف لهم فليس هو منهم

آیت الله مددی: خیلی طولانی شد ، این طولانی تر است ، فهرست خود شیخ طوسی ، این فهرست شیخ طوسی است می گویم این در شیخ حر این نبود باز این خیلی طولانی شد این مثر بحر طویل شد .

یکی از حضار: مثل اسم ابن ابن خلکان وفيات الاعيان وانباء ابناء الزمان مما مضى وورد فى الازدهان فلان فلان

آیت الله مددی: غرض این طولانی تر است این اسم طولانی تر است .

یکی از حضار: شاید در مقدمه ی وسائل آمده باشد .

آیت الله مددی: وسائل نگاه نکردم اما من نسخه ی خطی شیخ حر

یکی از حضار: اصول جزو اسم هست .

آیت الله مددی: اصول و مصنفات جزو اسم هست کتب و اصول جزو اسم است .

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين